

بررسی توسعه پایدار شهری و تئوری مدل سازی بین شهری در طراحی شهر

قباد تیمور کرانی

کارشناسی جغرافیا، دانشگاه دولتی تهران، ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی توسعه پایدار شهری و تئوری مدل سازی بین شهری در طراحی شهر انجام شد. روش تحقیق کتابخانه ای با استفاده از کتب، مقالات و پایان نامه ها و... انجام گرفت. در این پژوهش ضمن تعریف توسعه پایدار شهری، اجزای اقتصادی، اجتماعی، حس مکان و محیطی و کالبدی مورد بررسی قرار گرفت. سپس دیدگاه نظریه پردازهایی از قبیل بیکن، لینچ، الکساندر و ساختارگرایان در خصوص تئوری مدل سازی بین شهری در طراحی شهر ارائه گردید. مطالب نشان می دهد مدل سازی بین شهری به عنوان ابزاری مؤثر، می تواند به تحلیل و شبیه سازی تعاملات پیچیده میان شهرها و مناطق مختلف کمک کند و به برنامه ریزی بهتر و تصمیم گیری های آگاهانه تر منجر شود. این تئوری با فراهم کردن داده های دقیق و تحلیل های جامع، به طراحان و مدیران شهری این امکان را می دهد که سیاست های مؤثری را برای دستیابی به توسعه پایدار تدوین کنند.

واژه های کلیدی: توسعه، توسعه پایدار، شهر، مدل سازی، طراحی شهر

مقدمه

توسعه پایدار شهری به عنوان یک رویکرد جامع و یکپارچه، به دنبال ایجاد تعادل میان نیازهای اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی در فرآیند طراحی و مدیریت شهرها است. در دنیای امروز، با افزایش جمعیت شهری و چالش‌های ناشی از تغییرات اقلیمی، آلودگی محیط زیست و نابرابری‌های اجتماعی، ضرورت توجه به توسعه پایدار بیش از پیش احساس می‌شود. این رویکرد نه تنها به بهبود کیفیت زندگی شهروندان کمک می‌کند، بلکه به حفظ منابع طبیعی و ارتقاء عدالت اجتماعی نیز می‌پردازد. تئوری مدل‌سازی بین شهری، به عنوان ابزاری نوین در طراحی شهر، به تحلیل و شبیه‌سازی تعاملات پیچیده میان شهرها و مناطق مختلف می‌پردازد. این تئوری با استفاده از داده‌های کمی و کیفی، به برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در زمینه توسعه پایدار شهری کمک می‌کند. مدل‌سازی بین شهری می‌تواند به شناسایی الگوهای رفتاری، پیش‌بینی روندهای آینده و ارزیابی تأثیرات سیاست‌های مختلف بر توسعه پایدار کمک کند. لذا در این مقاله به بررسی توسعه پایدار شهری و تئوری مدل‌سازی بین شهری در طراحی شهر پرداخته می‌شود.

توسعه پایدار شهری

واژه توسعه پایدار را اولین بار به طور رسمی برات لند در سال ۱۹۸۷ در گزارش آینده‌ی مشترک ما مطرح کرد. این واژه در مفهوم گسترده آن به معنی اداره و بهره‌برداری صحیح و کارا از منابع پایه طبیعی، مالی و نیروی انسانی برای دستیابی به الگوی مصرف مطلوب است که با به کارگیری امکانات فنی و ساختار و تشکیلات مناسب برای رفع نیاز نسل امروز و آینده به طور مستمر و رضایت بخش امکان پذیر می‌شود (مکنون، ۱۳۹۴).

جامع‌ترین و علمی‌ترین تعریف توسعه پایدار کمیسیون برات لند توسعه‌ای که در جهت رفع نیازهای نسل کنونی باشد بدون اینکه توانایی‌های نسل آینده را در رفع نیازهایشان کاهش دهد. توسعه پایدار بر حفاظت از محیط زیست اقتصاد پایدار رفاه افراد فقیر امکان بهبود استانداردهای زندگی و استفاده درست و بهینه از منابع می‌باشد (رئیزی شیویاری و همکاران، ۱۴۰۳). نظریه توسعه پایدار شهری حاصل بحث‌های طرفداران محیط زیست درباره مسائل زیست محیطی به خصوص محیط زیست شهری است که به دنبال نظریه‌ی توسعه پایدار برای حمایت از منابع محیطی ارائه شد. در این نظریه موضوع نگهداری منابع برای حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و وارد کردن کمترین ضایعات به منابع تجدیدپذیر مطرح است. در توسعه پایدار شهری مسائلی مانند جلوگیری از آلودگی محیط شهری کاهش ظرفیت‌های تولید محیط محلی حمایت از بازیافت‌ها، عدم حمایت از توسعه‌های زبان آور و از بین بردن فقر مطرح است (شرافتی، ۱۳۹۵).

اجزای توسعه پایدار

اقتصادی: کاهش موانع مالی مرزبندی محلات در جهت افزایش همبستگی اجتماعی، کاهش فقر، مرزبندی محلات در راستای تقویت دسترسی برابر به کالاها و خدمات توسعه و ارتقای بازارهای محلی و فعالیت‌های اقتصادی و پایدار نمودن بخش‌های عمومی و خصوصی توزیع متعادل و عادلانه امکانات بین محلات شهری.

اجتماعی: افزایش مشارکت و همبستگی اجتماعی در درون محله مرزبندی محلات در جهت افزایش هویت و حس تعلق در محله دسترسی مناسب همه‌ی افراد به نیازهای اساسی و پایدار نگهداری از میراث فرهنگی نظام‌های ارزشی و اکولوژیکی توسعه و غنی‌سازی فرهنگ و هنر و اوقات فراغت، افزایش سرمایه‌های اجتماعی، مشارکت‌های محلی در حل مشکلات ایجاد

حس تعلق، استفاده از فرهنگ و سنت بومی در فضاهای شهری اهمیت دادن به هویت و ویژگی‌های فرهنگی خاص هر شهر، حفظ و تقویت ارزش‌های مثبت فرهنگ محلی.

حس مکان: بعد مهمی از پایداری است. در بسیاری از توسعه‌های جدید شهری مردم کمترین احساس تعلق به مکان را ندارند زیرا فضاها و محله‌ها هیچگونه جذابیت و ارزش از این بابت را دارا نمی‌باشند. یک شهر پایدار از آن کالبد و الگوی شهری حمایت می‌کند که تعالی بخش الهام بخش به خاطر سپردنی و دارای احساس خاص همبستگی و تعلق باشد و مرزبندی محلات باید در جهت حفظ ارزش‌ها و پیوستگی‌های اجتماعی در درون محلات باشد. در مباحث اجتماعی باید همبستگی اجتماعی و احساس تعلق شهروندان به میراث‌های شهر را ارتقاء داد.

محیطی و کالبدی: مرزبندی محلات با کاهش کمترین آسیب به محیط زیست رعایت مقیاس انسانی در فضاهای شهری پاکیزگی محیطی کاهش آسیب‌رسانی به محیط نهایت افزایش پایداری محیط زیست ایمن‌سازی شهر در مقیاس‌های همسایگی محله‌ای و شهری افزایش فضاهای باز و ارتقاء ارتباط انسان با طبیعت ایجاد سلسله مراتب قضایی و دسترسی انسان‌ها به فضاهای شهری حکمروایی افزایش مشارکت مردمی در تعیین مرز محلات تقویت ظرفیت و اقتدار محلی و جوامع برای خود مدیریتی عدم تمرکز در تصمیم‌گیری و تخصیص منابع مشارکت نهادها و متخصصان و طراحان شهری با مردم دسترسی و توانایی مشارکت گسترده در فرآیندهای دموکراتیک خصوصاً مرزبندی محلات هماهنگی چارچوبهای محلی یا بخش‌های ملی برای مدیریت اطلاعات و دسترسی‌ها و همکاری میان دستگاه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای مدنی (تقی زاده، ۱۳۸۳).

اصول توسعه پایدار

محله‌گرایی پیوستگی بافت ارتباط بین اجتماعات محلی، تقویت هویت مکانی ایجاد سرمایه اجتماعی هویت بخشی به مرکز محله کیفیت زندگی و وحدت و جامع‌نگری مبانی نظری پایداری در شهر شامل افزایش روابط اجتماعی در محلات افزایش هویت و حس تعلق در محلات، کاهش فاصله‌ها و سفر با توجه به تنوع کاربری‌ها عدم تمرکز شهری و کاهش پراکندگی‌ها، ایجاد اشتغال محلی ساختار اجتماع متعادل حمل و نقل هوشمند و کاهش ترافیک توزیع منابع و تهیه غذای پایدار محلی می‌باشد به این طریق اولاً با جایگزینی منابع و نوسازی آنها اتخاذ سیاست کاربری صحیح و محافظت از زمین بالا می‌رود ثانیاً با توجه به برنامه ریزی شهری و ناحیه‌ای و ساماندهی فضا، توسعه پایدار شهری حاصل می‌شود.

زیرارده برای محیط زندگی یا محیط شهری پایدار ویژگی‌هایی را شمرده است که اهم آنها عبارتند از: تامین شرایط مناسب زندگی برای اهل شهر ایجاد امکانات حمل و نقل و دسترسی به خدمات مورد نیاز در زمان مناسب و با قیمت متناسب حفظ و تقویت هویت و حس تعلق حفظ منابع طبیعی امنیت انسان، حفظ رابطه انسان و طبیعت و از همه مهمتر فراهم آوردن امکان رشد و کمال معنوی انسان می‌باشد. پس از روشن شدن تعریف و ویژگی‌های ملی و بومی توسعه پایدار شهر یا شهر پایداری شناسایی شرایط برای به منصه ظهور رسیدن مباحث نظری در قالب شهر پایدار ضروری است یک شهر پایدار به طریقی سازمان داده شده است که تمامی شهروندان آن ضمن رفع احتیاجات خود و بهبود بخشیدن به شرایط زیستی خویش، هیچ آسیبی به طبیعت وارد نیاورده و شرایط زیستی سایر انسان‌ها را چه در زمان حال و آینده به خطر نیندازند.

اما مهمترین راهکارهای مورد توافق اکثریت صاحب نظران در برنامه ریزی و مدیریت شهری به سوی شهر پایدار را می‌توان موارد زیر دانست :

- مرزبندی محلات در جهت افزایش سرمایه اجتماعی هویت و حس تعلق
 - مرزبندی محلات در راستای حفظ ارزش‌ها و فرهنگ بومی محلات با عدم ایجاد گسستگی در محلات
 - افزایش فشردگی کالبدی و توسعه شهری
 - حفاظت و احیای نظام‌های طبیعی در شهر و مرزبندی محلات
 - بهبود زیست پذیری اجتماعات شهری
 - پایداری و تقویت اقتصاد شهری
 - اصلاح نظام اداری و حکمرانی شهری (صرافی، ۱۳۷۵).
- توسعه پایدار در کوچکترین پاره شهری را توسعه پایدار محله ای می نامند. در تحلیل پایداری سطح محله افزایش انسجام اجتماعی مرز پایدار عدم ایجاد دو پارگی محلات قدیمی، دلبستگی به محیط محله، بهداشت و سلامت محیطی خوانایی و هویت محله ای افزایش مشارکت و حس تعلق، پایداری اقتصادی و ارزش مسکن مطرح است. توسعه شهری پایدار که از جمله نظریه ها و سیاست‌های اخیر و جاری تلقی می شود بخش عمده ای از ادبیات شهرسازی سال‌های اخیر را به خود اختصاص داده است. از شاخص های توسعه شاخص های اجتماعی - اقتصادی می‌تواند باشد که این شاخص به میزان مشارکت و آگاهی اجتماعی ساکنان و مالکان و یا توان اقتصادی ساکنان و شهروندان و سطح آسایش آنها در شهر و محله اشاره دارد و اینها می‌تواند بیانگر توسعه یافتگی شهر و محله از درون باشد تعداد تشکلهای مردمی برای حل مسائل شهری و رسیدن به توسعه یکی دیگر از این مولفه های توسعه یافتگی محسوب می شود. هر چه مشارکت مردم در اداره شهر و محله خود بالاتر باشد، شهر بسیار سریعتر از آنچه که فکر می شود، از درون توسعه می یابد. لذا میتوان این شاخص را به عنوان یکی از شاخص های توسعه درونی شهر در نظر گرفت (سعیدی فرد، ۱۳۹۲).
- برای رسیدن به توسعه پایدار بهتر است که از مقیاس کوچکتر یعنی محله آغاز کنیم و در مسیر توسعه پایدار شهری از توسعه محلی شروع کنیم فاکتورهای زیر برای پایداری توسعه محلی اساسی هستند:
- مرزبندی بر اساس ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی محلات
 - افزایش مشارکت مردمی و سرمایه اجتماعی
 - تقاضا و مالکیت از جامعه
 - افزایش هویت و حس تعلق
 - امکان پذیری برنامه ریزی بر پایه نیازها
 - عدم تمرکز و انتقال مسئولیت ها و منابع
 - تعهدهای سیاسی و حمایت های اداری
 - محیط مساعد و فاکتورهای فرهنگی - اجتماعی
 - استفاده از تکنولوژی مناسب که در سطح محلی پایدار باشد.
 - مدیریت مالی شفاف و کارا در راستای مرزبندی و مدیریت صحیح محلات
 - پردازش های موثر و ارزیابی های دوره ای
 - پایداری سیاسی.

بنابراین توسعه پایدار باید در سطح محلی مقدس شمرده شود و امکانات همکاری نزدیک مردم، مالکیت و مشارکت مستقیم آنان فراهم شود مرزبندی محلات بیشتر در راستای افزایش مرادوات اجتماعی در جهت ایجاد پیوستگی اجتماعی افزایش حس تعلق و هویت مکانی باشد و مرزبندی نباید منجر به دو پارگی و گسست اجتماعی در محلات شود.

برنامه ریزی محله محور توسعه شهری

به دلیل ابعاد گسترده و ماهیت مسائل شهری پیچیدگی آنها دو چندان شده است لذا حل پایدار آنها نیازمند جامع نگری و توجه به ابعاد و جنبه های مختلف مسئله می باشد. بنابراین تاکید برنامه ریزی و مدیریت شهری بیش از هر زمان دیگر به سطوح پایین تر و ابعاد ملموس زندگی شهری می باشد. پژوهشها و مطالعات قابل توجهی در یکی دو دهه اخیر انجام شده است که به نوعی در سیاستگذاری برنامه ریزی و مدیریت شهری خردترین واحد شهر یعنی محله را هدف قرار داده اند. مفهوم برنامه ریزی محله مینا که بر همین اساس مطرح شده است مبتنی بر مهندسی اجتماعی بوده و به جای نگرش کلان و مقیاس های ذهنی به ابعاد مشخص فضا زمان در مقیاس محلی و خرد می پردازد و به جای پرداختن به توده مکانیکی و غیر قابل مدیریت کلانشهری به واحدهای ارگانیکی مشخص یعنی محلات شهری می اندیشد. در این رویکرد نگاه برنامه ریزی و مدیریت از پایین به بالا مبتنی بر توانمندسازی بوده و در آن بر منابع انسانی و سرمایه های اجتماعی و مشارکت جمعی ساکنین محلات در قالب نگرش دارایی مبنا تاکید می گردد (ترکاشوند، ۱۳۹۹). برنامه ریزی محله محور زیر مجموعه مدیریت محله ای محسوب می گردد و یک مداخله ساختمند و برنامه ریزی شده است که موجب می شود اجتماعات بر شرایط زندگی ساکن در آن تاثیر گذار بوده و کنترل بیشتری بر محیط ساکن خود داشته باشند توسعه محله ای نیازمند درگیری فعالانه مردمی است که در موضوع با مساله ای که بر زندگی آنها اثر میگذارد بتوانند با مشارکت و همکاری همدیگر بر آن مشکلات غلبه کرده و یا آنها را تعدیل کنند. هدف از برنامه ریزی مردم محور محله ای بهبود بخشیدن شرایط زندگی اهالی محله به وسیله تشویق ساکنان آن برای کمک به یکدیگر و ارائه راه حلی انجام خدمات توسط افراد محله و همکاری با یکدیگر است که در نهایت به بهبود شرایط محله ای منجر می گردد (صرافی، ۱۳۷۵). این برنامه ریزی دارای ابعاد بسیار گوناگونی است که با توجه به اهمیت مشارکت مردم در فرایند این برنامه ریزی مهمترین آنها نگاه به سرمایه اجتماعی استفاده از سرمایه های اجتماعی موجود در محلات شهری در جهت بهبود وضعیت محله است.

محله محوری به عنوان یک الگوی غیر متمرکز مدیریت شهری و یکی از مکانیزم های جلب مشارکت مردم به منظور نیل به مدیریت کارآمد و توانمند شهری است و نمودی از دیدگاه های خردنگر است که جایگزین رویه های کلان نگر است. در حوزه شهرسازی شاید بتوان جان فرید من را به عنوان برجسته ترین نظریه پرداز ذکر کرد که ضرورت باز نگری در اندیشه برنامه ریزی و چرخش از عرصه ها و سطوح کلان تصمیم گیری به جنبه های محلی و عرصه های زندگی روزمره را مطرح نموده است (ترکاشوند، ۱۳۹۹).

تقسیمات شهری

یکی از ابزارهای چیره شدن بر پیچیدگی شهر تقسیمات شهری است که اصالتا همزاد شهر بوده که در هر زمان با نیاز ادواری تحول شهر همناخت شده است. تقسیمات شهری عبارت از: تقسیم شهر به سلسله مراتب مدیریتی حوزه منطقه ناحیه و محله جهت ارائه خدمات و اداره امور شهری در محدوده تعیین شده می باشد.

برای تأمین محیط زیست مطلوب شهری نیاز به تقسیمات کالبدی فضایی مناسبی است که محله در آن رکن اصلی و اساسی و محله بندی بر اساس معیارهای شهرسازی مهمترین اقدام آن به شمار آید تا از این طریق معیارهای قابل انطباق محله بندی شهر معین و بستر لازم برای توسعه ی مدیریت شهری فراهم شود. در واقع اساس توزیع و تخصیص کاربری ها و تعیین استانداردها و سرانه های شهری بر پایه ی تقسیمات فضایی کالبدی شهر استوار است. به همین دلیل میتوان گفت بسیاری از مسایل و مشکلات شهرهای کشور با مشکلات تقسیمات شهری آن ارتباط دارد. حد و مرزهای قطعی و روشن محله می تواند به بهبود بخشی و ارتقای هویت گسترده نیز تاثیر مثبت داشته باشد و به ترغیب توسعه و گسترش بر هم کنشهای کارکردی اقتصادی و اجتماعی در منطقه منجر شود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵).

مدل سازی بین شهری

ساختار گرایی بین شهری روش تجزیه و تحلیلی است در جغرافیای انسانی که بر اساس آن پدیده های مشهود جغرافیایی نتیجه عملکرد نیروهای منحصر به فرد نمی باشد بلکه این پدیده های جغرافیایی حاصل یک رشته ساز و کارهای ریشه داری است حاصل ساختارهای سیاسی و اقتصادی که در طول زمان بوجود آمده اند و شکل گیری خود را از ساختارهای پنهان و آشکار اخذ می نمایند. به طور کلی جغرافیای ساختاری به منزله یک فرایند در جستجوی شناخت کیفیت توزیع منابع کمیاب مثل زمین شهری، ثروت کشور، توزیع درآمد میان مردم می باشد. در جغرافیای ساختاری شرایط و ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر توزیع ثروت، درآمد و قدرت حاکمیت دارند و این ساختارها شیوه زندگی و مسیر تحرک اجتماعی انسان را تعیین می کنند. بدینسان که هر پدیده مشهود جغرافیایی نظیر گرانی مسکن، حاشیه نشینی بیکاری، گسترش امراض انحرافات اجتماعی، نتیجه ساختارهای اجتماعی، اقتصادی شناخته می شود. اما این ساختارها در خود پدیده های جغرافیایی مشهود نیستند، بلکه به صورت پنهان عمل می کنند (لیب زاده و همکاران، ۱۳۹۷).

تئوری مدل سازی بین شهری در طراحی شهر

ساختارگرایی بین شهری در معماری و شهرسازی یکی از مهمترین جنبش های پیش رو از سال ۱۹۶۰ تاکنون است و کلودلوی استرین را میتوان به عنوان پدر معنوی ساختارگرایی دانست. الکساندر نیز از جمله افرادی است که برای دستیابی به اصل کلیت در طراحی شهری، اصل وحدت را نیز مطرح می نماید. برخی از معیارهای این وحدت شامل تنوع فضایی مرکزیت تعامل و هماهنگی، نوازن پیوستگی فضایی سلسله مراتب تجانس هویت مشارکت تاکید بر روابط اجتماعی و ترکیب و انجام محله می باشد. بخش اصلی یا همان ساختار اصلی شهر مجموعه عملکردها، کاربری ها و عناصر مختلف و متنوع شهری است که کلیت شهر و جهات توسعه آتی آنرا مشخص می کند، مانند محورهای اصلی ارتباطی فضاهای باز عمده بناهای عمومی و محله این بخش ویژگی های اصلی شهر را بیان کرده و موجد دوام ثبات و هویت شهر است و بخش اصلی قابل طراحی است و بخش فرعی نماینده تغییر تنوع آزادی و اختیار بوده و شامل محلات شهری و مکان زندگی روزمره شهروندان است.

منظور از ساخت شهر کلیه عناصر و فضاهای مختلف شهر و نحوه ارتباط میان آنهاست که در مجموع کلیتی واحد را شکل می دهد. ساخت کالبدی شهر نه تنها از عناصر (راه) فضاها و دسترسیمهای مختلف تشکیل می شود، بلکه شیوه ارتباط این اجزاء و عناصر با یکدیگر و کوششی که برای سازگار کردن خود با شکل کلی مجموعه می نماید نیز مطرح است. ساختار اصلی مربوط

به جنبه های عمومی شهر بوده، نظم و وحدت و استحکام پدید می آورد. این ساختار اصلی عموماً شامل شبکه ارتباطی و بعضی عناصر بزرگ مقیاس که تغییر ناپذیرند می باشد.

برای طراحی شهر احتیاج به اندیشه اولیه در استخوان بندی آن وجود دارد سازماندهی و بازسازی اسکلت شهر به احیای شهر از درون منجر می شود که تغییر ویژه ای در رشد شهر بوده و حفاظت فعال شهر، هم به لحاظ فرهنگی و هم عملکردی را در پی خواهد داشت. نتیجتاً برای مرزبندی صحیح محلات باید شناخت دقیقی از ساختار و اسکلت بندی شهر داشت. در نتیجه ساختارگرایان مرزها راهها را به عنوان ساختارهای اصلی شهر در جهت ایجاد وحدت و پیوستگی مورد بررسی قرار می دهند. راهها در طی زمان در محلات تغییراتی ایجاد کرده است و به عنوان یک عامل اصلی در مرزبندی اثر داشته است تئوری ساختارگرایی از زمانی که راه ها نقش بسزایی در تغییر مرزها داشته اند، مطرح گردیده است تا بتواند وحدت و انسجام در شهر و محلات را ایجاد کند (زرین دست، ۱۳۹۹).

دیدگاه نظریه پردازان

بیکن یکی از نظریه پردازان در سراسر کتاب خود از واژه هایی نظیر ارتباط وحدت، یگانگی، انسجام پیوند تداوم و ارتباط سخن به می آورد. سعی آن بر این است که میان اجزاء و عناصر طراحی شهری یعنی توده و فضا رابطه برقرار کند و در نهایت این اجزاء را به کل بزرگتر پیوند دهد.

بیکن در پیچیدگی های ترکیب عناصر در یک منطقه شهری در جستجوی ایجاد وحدت است.

لینچ دیگر نظریه پرداز به انسجام و وحدت ادراکی نسبت به منظر شهری اشاره دارد و بر این اساس ۵ شکل اصلی را مطرح می سازد که مردم مکان ها را از طریق آنها درک می کنند راهها که حرکت را جهت می دهند مرزها با لبه ها که قلمرو هر چیز را مشخص می کنند و شکل و پیوستگی مسیر را موجب می شوند محله ها که مناطق را بر اساس فعالیتها مشخص می کنند گره ها یا نقاط فعالیت متراکم نشانه ها که نقاط عطف در شهر هستند.

از دیدگاه **الکساندر** نظریه پردازی دیگر ۱۵ اصل است که منجر به ایجاد کلیت واحد و یکپارچه می شود و این اصول عبارتند از: خلق مقیاس های مختلف ایجاد مراکز قدرتمند پیوند عمیق بین آنها، ایجاد شکل خوب خلق فضاهای مثبت سادگی و آرامش تضاد فضای خالی ناهمواریها بازتاب، تقارنهای محلی تکرار، مرزها شیب و عدم تفکیک.

به طور کلی بعضی از معیارهای دستیابی به اصل وحدت از دیدگاه ساختارگرایان عبارتند از: ایجاد یک سیستم حرکتی اصلی به مثابه ستون فقرات به هم پیوند دادن بناهای اصلی با طرح شبکه ارتباطی اصلی ایجاد رابطه متقابل بناها با یکدیگر و بناها با قضاها فعالیت های تجاری صنعتی و سیاسی در طول محور اصلی ترکیب بندی بناها و فضاهای اصلی به صورت یک کل به هم پیوسته ایجاد پیوستگی مسیر با طراحی لبه ها و ایجاد نشانه.

ساختارگرایان دید کالبدی و فیزیکی به شهر داشتند و معتقد بودند که با بررسی ساختار و استخوانبندی اصلی شهرها و درک قانونمندی های توسعه و تکامل آن میتوان تاثیر عمده ای در احیاء و بهبود وضع شهر داشت. مکتب ساختارگرایی در ارتباط با موضوع محله به دنبال مطالعه فرم محله و عملکرد و پیوند فضایی محتوا) آن در دوران مختلف است به طور کلی ساختارگرایان مرزها راه ها و ساختارها را مورد بررسی قرار می دهند. راه ها یکی از اجزای اصلی استخوان بندی است که طی زمان در محلات تغییراتی ایجاد کرده است و مرز محلات را تغییر داده است. تئوری ساختارگرایی از همین زمان به بعد مورد مطالعه قرار گرفته است که به دنبال پیوستگی محلات و نظم ساختاری شهر است (قربانی و همکاران، ۱۳۸۵).

منابع و مآخذ

۱. ترکاشوند، عفت (۱۳۹۹) برنامه ریزی محله محور با تاکید بر رویکرد محرک توسعه شهری (مورد پژوهشی: محله بلاغی قزوین)، کنفرانس بین المللی عمران، معماری، توسعه و بازآفرینی زیرساخت های شهری در ایران، تهران.
۲. تقی زاده، محمد (۱۳۸۳) نقش آموزش زیست محیطی در تبیین توسعه پایدار، نشریه علوم مهندسی محیط زیست، شماره ۴۱.
۳. رئیسی شیویاری، نوید و اوطاری، محمدرضا (۱۴۰۳) بررسی توسعه پایدار شهری با رویکرد مشارکت مردمی (مطالعه موردی: منطقه هفت شهر تهران)، اولین کنفرانس بین المللی مدیریت شهری و شهرسازی، تهران.
۴. زرین دست، ناهید و سروری، هادی (۱۳۹۹) تحول نظریه های شهرسازی در فرایند طراحی شهری، چهارمین مجمع توسعه فناوری و کنفرانس بین المللی یافته های نوین عمران معماری و صنعت ساختمان ایران.
۵. سعیدی فرد، فرانک و صالحی، مریم و صالحی، منا (۱۳۹۲) تجارب توسعه پایدار شهری در ایران و جهان، اولین کنفرانس معماری و فضاهای شهری پایدار، مشهد.
۶. شرافتی، سینا (۱۳۹۵) برنامه ریزی شهری و توسعه پایدار، چهارمین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران.
۷. صرافی، مظفر. (۱۳۷۵). توسعه پایدار و مسوولیت برنامه ریزان شهری. معماری و شهرسازی، - (۳۵)، ۳۹-۴۵.
۸. قربانی؛ هادی، ترابی؛ مرضیه، ترکزاده؛ نغمه، قاسمی؛ مروارید، پاکزاد؛ جهانشاه (۱۳۸۵) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهر. انتشارات شهید.
۹. لبیب زاده؛ راضیه، حمزه نژاد؛ مهدی (۱۳۹۷) مدل سازی معنایی در ساختار شهر و بررسی دیدگاه های اسلامی درباره آن. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۳۲.
۱۰. محمدی، علیرضا و یاری، ارسطو و کلانتری، لاله (۱۳۹۵) برنامه ریزی محله مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، اولین کنفرانس ملی معماری اسلامی، میراث شهری و توسعه پایدار، تهران.
۱۱. مکنون، رضا؛ بینقی، مسعود. (۱۳۹۲) توسعه علم و توسعه پایدار: نگاهی به کنفرانس ریو ۲۰+ جمعیت توسعه علم ایران.